

حقایقی که باید گفت

کامالا هریس

ترجمه: علی اکبر عبدالرشیدی



نشرنون

1397 - چاپ اول	www.ketab.ir	978-964-11-8323
Printed in IRAN		



نشر نون
NOON
BOOK

Harris, Kamala, 1964-

سرشناسه: هریس، کامالا، ۱۹۶۴-م.

عنوان و نام پدیدآور: حقایق که باید گفت/ کامالا هریس؛ ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی

منشخصات نشر: نشر نون، ۱۳۹۹.

منشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص: ۱۴/۵، ۲۱/۵-م.

فروست: منظومه ترجمه: ۱۴۶.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۵۲۹۹-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The truths we hold : an American journey , 2019,

موضوع: هریس، کامالا، ۱۹۶۴-م.

موضوع: Harris, Kamala, 1964-

موضوع: زنان سیاستمدار — ایالات متحده — کالیفرنیا — سرگذشته

Women politicians — United States — California — Biography

موضوع: سیاستمداران — ایالات متحده — کالیفرنیا — سرگذشته

Politicians — California — Biography

موضوع: زنان نماینده مجلس — ایالات متحده — کالیفرنیا — سرگذشته

Women legislators — California — Biography

موضوع: نمایندگان مجلس — ایالات متحده — کالیفرنیا — سرگذشته

Legislators — California — Biography

شناسه افزوده: عبدالرشیدی، علی اکبر، ۱۳۲۸ — مترجم

رده بندی کنگره: E۹۰ ۱/۱

رده بندی دیویی: ۳۲۸/۷۳۰۹۲

رده بندی شابک: ۷۴۰۱۶۶۹

کامالا هریس

ترجمه: علی اکبر عبدالرشیدی

حقایق که باید گفت

دبیر: شش ترجمه: حسین جاوید
ترجمه: الهام راشدی
ویراستار: محمد قبا

نشر نون

۳۳۱ صفحه

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۹

لیتوگرافی و چاپ: تهران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۵۲۹۹-۵

ISBN: 978-622-6652-99-5

کانال: telegram.me/noonbook

تلفن: ۰۹۳۸۴۱۱۸۳۲۲

NOONBOOK. IR

noonpub@Gmail.com

هرگونه برداشت از متن اعم از بازنویسی، نمایشنامه و... از تمام یا قسمتی از این

کتاب به هر شیوه، منوط به اجازه کتبی و قبلی از ناشر است.

NOON Publisher

http://instagram.com/noonbook

noonpub@gmail.com

+98-938 411 8322



منظومه ترجمه - ۱۴۶

Printed in IRAN

noonpub@gmail.com

@NOONBOOK

#نشرنون

فهرست

۹	مقدمه نویسنده
۱۷	فصل اول: برای مردم
۶۱	فصل دوم: صدای عدالت
۱۰۰	فصل سوم: زیر آب
۱۳۹	فصل چهارم: زنگ‌های عروسی
۱۷۱	فصل پنجم: من می‌گویم می‌جنگیم
۱۹۰	فصل ششم: ما بهتر از این هستیم
۲۱۷	فصل هفتم: همگان
۲۲۹	فصل هشتم: هزینه زندگی
۲۶۹	فصل نهم: امنیت هوشمندانه
۲۹۱	فصل دهم: آنچه آموخته‌ام
۳۱۹	عکس‌ها

صبح‌ها، داگ، همسرم، قبل از من از خواب بیدار می‌شود و همان‌طور که در بستر دراز کشیده و روزنامه‌ها را مرور می‌کند، از سر و صداهایی که تولید می‌کند - مثلاً آه می‌کشد، غر و لند می‌کند یا بریده‌بریده نفس می‌کشد - می‌فهمم چه برات و روز ما چگونه و با چه حال و هوایی آغاز خواهد شد.

روز هشتم نوامبر ۲۰۱۰ خواب آغاز شد. آن روز آخرین روز در مبارزات من برای دستیابی به کرسی سنا در کنگره آمریکا بود. آن روز، تا توانستم، با رأی‌دهندگان ملاقات کردم. البته، خردم هم همان روز رأی دادم. مدرسه‌ای در نزدیکی خانه‌مان و در انتهای خیابان بود که رفتم و رأیم را همان‌جا به صندوق انداختم. حال خیلی خوبی داشتیم. آن شب، به‌افتخار من و شرکت در انتخابات، ضیافتی برپا شده بود. همه مظهران بودند تا به‌محض ورود، بادکنک‌های رنگینی را که آماده شده بود در هوا پخش کنند. اما قبل از آن، به‌اتفاق تعدادی از اعضای خانواده و دوستان، عازم رستوران شدیم تا شام را دور هم باشیم. این رسمی بود که همیشه و از زمانی که اولین بارزات انتخاباتی‌ام را شروع کرده بودم دنبال می‌کردیم.

خیلی‌ها از سراسر کشور و حتی از خارج از کشور آمده بودند تا در کنارمان باشند. عمه‌ها، خاله‌ها، بچه‌هایشان، عروس‌ها و دامادهای خانواده و خیلی‌های دیگر دور ما را گرفته بودند و در این فکر بودند که آن شب شبی بسیار ویژه و خاطره‌انگیز خواهد بود.